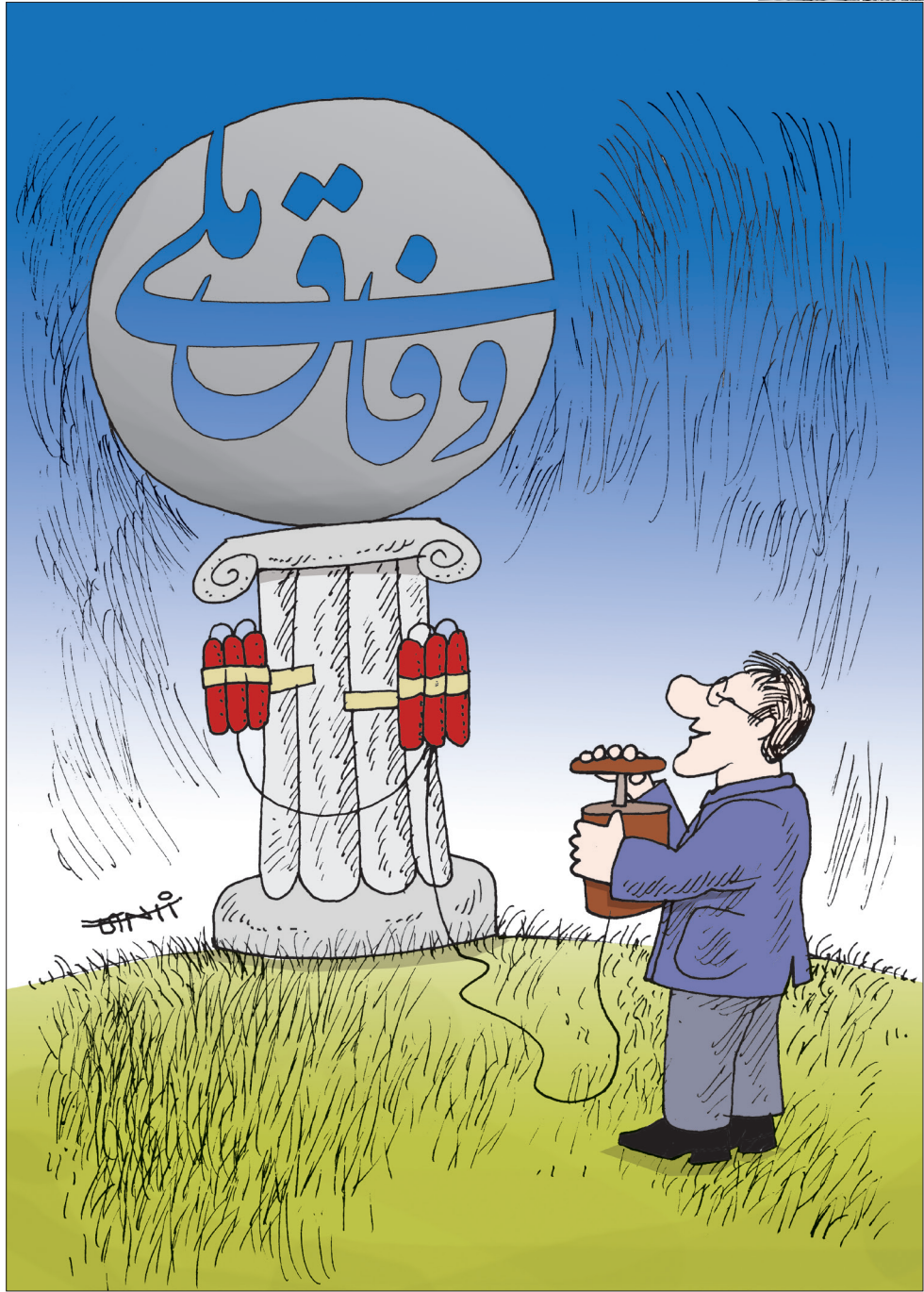




اقتصاد ایران در سایه ابهام سیاست خارجی



حسین سلاخ‌وزری

فعال اقتصادی و رئیس سابق

اتاق ایران

اقتصاد ایران این روزها در یکی از شکننده‌ترین مقاطع تاریخی خود به سر می‌برد؛ وضعیتی که در آن نه جنگ تمام‌عیار رخ داده و نه امیدیهی به مذاکره و توافق دیده می‌شود. تحریم‌های فلج‌کننده، انزوای مالی بین‌المللی، سایه تهدید درگیری با اسرائیل یا آمریکا بر سر مناقشه هسته‌ای، و قطع ارتباط با اروپا، این اقتصاد تحریف را در برابر تکانه‌های بی‌امان قرار داده است. پرسش اینجاست که تداوم این فضای نااطمینانی در ۱۲ ماه آینده، ایران را به کدام سو خواهد برد؟ پاسخ از منظر اقتصاد سیاسی، نگران‌کننده است: انقباض بیشتر، تورم فزاینده، و بحرانی که می‌تواند پایه‌های اجتماعی و سیاسی را نیز به لرزه درآورد.

انزوای مالی ایران، که با عدم پذیرش استانداردهای FATF و تحریم‌های گسترده آمریکا و اروپا تشدید شده، عملاً کشور را از زنجیره اقتصاد جهانی بیرون رانده است. تبادلات بانکی به کانال‌های غیررسمی و پرهزینه محدود شده و هزینه تجارت خارجی سر به فلک کشیده است. گزارش‌های بانک جهانی نشان می‌دهد که این انزوا، صادرات غیرنفتی را که می‌توانست جایگزینی برای درآمدهای نفتی باشد، به شدت تضعیف کرده است. در همین حال، تحریم‌های نفتی، که از سال ۲۰۱۸ با خروج آمریکا از برجام اوج گرفت، درآمدهای ارزی را به کمترین سطح در دهه‌های اخیر رسانده‌اند. اگرچه ایران در سال ۱۴۰۲ توانست روزانه حدود ۱/۵ میلیون بشکه نفت صادر کند، اما تشدید فشارهای آمریکا و احتمال بازگشت تحریم‌های سازمان ملل در صورت شکست مذاکرات هسته‌ای، این رقم را در سال ۱۴۰۴ به زیر یک میلیون بشکه کاهش خواهد داد.

نتیجه؟ ذخایر ارزی تحلیل می‌رود، نرخ ارز که اکنون در محدوده ۹۰ هزار تومان نوسان دارد، می‌تواند به سطوح سه‌رقمی نزدیک شود و تورم را به بالای ۵۰ درصد برساند؛ کابوسی برای معیشت خانوارها.

اما این تنها بخشی از ماجراست. سایه جنگ و تنش‌های ژئوپلیتیک، از تهدید درگیری با اسرائیل تا احتمال تقابل با آمریکا، فضای نااطمینانی را به اوج رسانده است. تجربه تنش‌های بهار ۱۴۰۳ نشان داد که حتی شایعه جنگ، بازارهای مالی و ارزی را متلاطم می‌کند. این وضعیت، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را به صفر نزدیک کرده و فرار سرمایه را تسریع بخشیده است. در عین حال، افزایش هزینه‌های نظامی برای مقابله با تهدیدات، کسری بودجه دولت را که در سال ۱۴۰۳ حدود ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده، عمیق‌تر خواهد کرد. این چرخه معیوب، بخش تولید را با بحران نقدینگی مواجه می‌کند و بنگاه‌های کوچک و متوسط، که ستون فقرات اقتصاد ایران هستند، یکی پس از دیگری از گردونه خارج می‌شوند. بن‌بست سیاست خارجی کنونی، که نه به جنگ منجر شده و نه به مذاکره، بدترین سناریو برای اقتصاد ایران است. فعالان اقتصادی در این فضای خاکستری قادر به برنامه‌ریزی نیستند، دولت از منابع مالی بین‌المللی محروم است و اعتماد عمومی رو به زوال می‌رود. این انفعال، قدرت چانه‌زنی ایران را در منطقه و جهان کاهش داده و وابستگی به شرکایی مانند چین و روسیه را افزایش داده است؛ شرکایی که خود درگیر چالش‌های دیگر هستند و نمی‌توانند تکیه‌گاه مطمئنی باشند. در چنین شرایطی، مهاجرت نخبگان و نیروی کار ماهر شتاب گرفته و سرمایه اجتماعی، که برای هر توسعه‌ای حیاتی است، بیش از پیش تحلیل می‌رود.

در ۱۲‌سah آینده، اگر این روند ادامه یابد، اقتصاد ایران با سه پیامد اصلی روبه‌رو خواهد شد:

نخست، رکود تورمی عمیق‌تر؛ پیش‌بینی رشد اقتصادی ۲/۷ درصدی بانک جهانی برای سال ۱۴۰۴، در صورت تشدید تحریم‌ها و تنش‌ها، به صفر یا حتی منفی میل خواهد کرد. **دوم**، بحران تأمین کالاهای اساسی؛ کاهش ذخایر ارزی و قطع ارتباط با اروپا، دسترسی به دارو، گندم و نهاده‌های دامی را دشوار می‌کند و می‌تواند به کمبودهای مقطعی و اعتراضات اجتماعی دامن بزند.

سوم، فروپاشی تدریجی بخش خصوصی؛ نبود تبادلات بانکی و افزایش هزینه‌های تولید، بیکاری را از ۱۲ درصد کنونی به سطوح بالاتر خواهد رساند و معیشت میلیون‌ها نفر را به مخاطره می‌اندازد. اقتصاد ایران در آستانه‌یک بحران ساختاری است. تداوم این مسیر، نه تنها ظرفیت‌های تولیدی کشور را نابود می‌کند، بلکه مشروعیت سیاسی را نیز تضعیف خواهد کرد. راه برورن‌رفت، یا در مذاکره برای رفع تحریم‌ها و اتصال مجدد به اقتصاد جهانی نهفته است، یا در اصلاحات داخلی برای کاهش وابستگی به نفت؛ اما هر دو در شرایط کنونی دور از دسترس به نظر می‌رسد. ۱۲‌ماه پیش رو، آزمونی سرنوشت‌ساز برای ایران است؛ آزمونی که بدون تغییر رویکرد، پایان خوشی نخواهد داشت.

خطیر و کلان و اساسی خود را که در مصوبه سران قوا با هدف مدیریت منابع محدود ارزی کشور و تنظیم و کنترل واردات و جلوگیری از قاچاق کالا و ارز، بر عهده او نهاده شده را به ادارات و سازمان‌های زیرمجموعه خود تفویض کرده و موجبات وقوع جرائم موضوع پرونده حاضر توسط متهم ردیف اول پرونده را فراهم کرده است، و اقدام او موجب گردیده تا منابع ارزی و اموال دولتی تضییع شود. سیدرضا فاطمی‌امین که به عنوان وزیر صمت و به موجب وظایف قانونی می‌بایست بر فرآیند تجارت داخلی و تجارت خارجی نظارت داشته و از انحراف مقررات از جمله مقررات مرتبط با تجارت خارجی کشور مقررات مرتبط با تقاضای ثبت سفارش جلوگیری کند، به دلیل عدم انجام وظایف قانونی موجب می‌شود خروج منابع ارزی کشور به بهانه واردات ماشین‌آلات به نفع یک گروه خاص به نام دبش رقم بخورد. دسترسی به اطلاعات، علم و اطلاع از میزان افزایش نامتعارف ثبت سفارشات تأیید و صادر شده، به نسبت مدت مشابه در سال‌های گذشته محرز است. حسب اظهارات سیدرضا فاطمی‌امین آمار کلی ثبت سفارش‌های انجام‌شده در خصوص گروه‌های کالایی و حوزه‌های مختلف بازار واردات به صورت روزانه در دفتر کل وزارت صمت تحت عنوان داشبورد مدیریتی ارسال و برای وزیر صمت نه تنها قابل دسترسی پیگیری و رصد بلکه اعمال نظرات‌های لازم در خصوص فرآیند ثبت سفارش برای هر کدام از گروه‌های کالایی برای وزیر یک تکلیف قانونی بوده است اما به‌رغم اینکه حسب گزارشات متعدد ارسالی به وزیر صمت از جمله گزارشات مندرج در داشبورد مدیریتی افزایش غیرقابل پیش‌بینی برای واردات ماشین‌آلات بسته‌بندی چای به اطلاع او رسانده شده است ولی در اقدامی سوال‌برانگیز اقدام مؤثری در جهت متوقف ساختن این فرآیند از جانب او انجام نمی‌شود. با توجه به اوراق و محتویات پرونده، سیدرضا فاطمی‌امین به عنوان وزیر صنعت، معدن و تجارت به موجب مقررات ناظر به تجارت خارجی کشور در هماهنگی با مقررات حاکم بر سیاست‌های ارزی تکلیف داشته است که حجم تقاضا برای ثبت سفارش برای واردات انواع گروه‌های کالایی را مدیریت کند؛ به نحوی که از قبول ثبت سفارشات دایر بر واردات کالاها و ماشین‌آلات با درجه اهمیت غیراولویت‌دار جلوگیری کند. مطالعه تاریخ آماری ثبت سفارشات انجام‌شده به منظور واردات ماشین‌آلات مرتبط با بسته‌بندی چای حکایت از آن دارد که به‌رغم اینکه در سال‌های قبل وضعیت ارزی کشور به مراتب بهتر از دوره مدیریت سیدرضا فاطمی‌امین در وزارت صمت بوده، اما قبول ثبت سفارش برای واردات ماشین‌آلات بسته‌بندی چای در وضعیت بسیار پایین‌تری قرار داشته است.

▼ دریافت ارز با سربرگ جعلی

نکته بسیار مهم در عملکرد وزارت صنعت، معدن و تجارت تحت مدیریت فاطمی‌امین این است که هیچگونه نظارت و کنترل بر فرآیند ثبت سفارشات انجام شده بابت واردات ماشین‌آلات و ملزومات اعمال نشده است. نتیجه این سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی منجر به این شده است که اکبر رحیمی (مدیر گروه شرکت‌های دبش) با ساخت یک مهر به نام شرکت‌های خارجی و با جعل سربرگ منتسب به این شرکت‌ها بیش از یک میلیارد و چهارصد میلیون یورو ثبت سفارش واردات ماشین‌آلات از این شرکت را انجام و ارز از بانک مرکزی دریافت می‌کند. با توجه به نظرات کارشناسی از نظر هیئت قضایی دادگاه نقض سیدجواد ساداتی‌نژاد به عنوان وزیر وقت جهاد کشاورزی و سیدرضا فاطمی‌امین به عنوان وزیر وقت صنعت، معدن و تجارت در شکل‌گیری فرآیند مجرمانه از سوی متهمان اصلی پرونده تحت نظر به عدم انجام وظایف قانونی مربوط می‌شود؛ به نحوی که اگر نامبردگان به عنوان بالاترین مقام دستگاه‌های اجرایی که ثبت سفارش‌های مربوط به گروه چای دبش به تعداد ۲۰۰۰ فقره در وزارتخانه‌های تحت نظر آنها انجام شده و بابت آن بیش از ۳/۳ میلیارد یورو حوزه ارزی بابت واردات بیش از سه برابر چای مورد نیاز کشور به ارزش بیش از ۱/۸ میلیارد یورو و بیش از ۱/۲۷۰ میلیون یورو حواله‌های ارزی بابت واردات ماشین‌آلات مرتبط با فرآوری چای در حق گروه چای دبش انجام شده است؛ به وظایف قانونی خود به شرح فوق عمل می‌کردند؛ قطعاً از وقوع فرآیند مجرمانه جلوگیری می‌شد.

▼ شگرد چای دبش در تخصیص ارز

قوه قضائیه حتی شگرد مدیر چای دبش در فرآیند اخذ مجوز ثبت سفارش و تخصیص ارز را تشریح کرده و اعلام کرد: «در بازرسی صورت گرفته از دفتر متعلق به متهم واقع در شهر ری تعداد ۶۴ عدد مهر ساختگی متعلق به شرکت‌های خارجی فروشنده چای و نیز شرکت‌های خارجی فروشنده ماشین‌آلات در برخی ادارات و سازمان‌های دولتی داخلی و خارجی به همراه سربرگ‌های شرکت‌ها و پرینتر رنگی و اسکنر رنگی به همراه تعداد ۷۵ کارت زونکن شامل اسناد و مدارک مربوط به امور بازرگانی شرکت کشف گردید که بر اساس بررسی‌های فنی و تخصصی صورت گرفته توسط اداره تشخیص هویت اداره آگاهی تهران بزرگ در راستای انطباق مهرهای مکشوفه با اسناد اظهارنامه مربوط به ۹۶ فقره کوئتا توقیف‌شده که قاچاق بودن آن برای شعبه بازرسی به دلیل مغایرت کالا به لحاظ کمی و کیفی و ارزشی با مجوز ثبت سفارش محرز گردید، تطابق دارد. با توجه به برخی پرداخت‌های نامشروع و نامتعارف در قالب رشوه به تعدادی از مدیران در وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و صمت متهم موفق به اخذ مجوز ثبت سفارش به تعداد بیش از ۲۰۰۰ فقره شده است. «درآباد» با استفاده از مجوز ثبت سفارش‌های متعدد غیرواقعی، موفق به دریافت ارز نیمایی به ارزش و میزانی که خود در پیش فاکتور درج کرده، نه‌بر اساس ارزش واقعی کالا شده است و با تخصیص ارز نیمایی جهت دریافت و خرید ارز در مرحله تأمین ارز، از طریق تسهیلات ریالی که بدون رعایت بهداشت اعتباری و بر خلاف ضوابط و مقررات بانک مرکزی اخذ نموده و توانسته است منشأ رأی مورد نیاز جهت اخذ ارزهای نیمایی را نیز تأمین نماید. اکبر رحیمی در پیش فاکتور ارائه‌شده به سامانه جامع تجارت، چای وارداتی را از نوع خاص از چای که دارای ارزش قیمتی بالایی می‌باشد تحت عنوان چای دارچین‌گ اعلام کرده است که در بررسی‌های فنی و تخصصی صورت گرفته توسط وزارت جهاد کشاورزی، سازمان چای ایران، سازمان ملی استاندارد و استعلامات انجام شده، مشخص شده چای وارد شده به کشور چای کشوری غیر از هند بوده است. رحیمی در مجوز ثبت سفارش جهت واردات، چای دارچین‌گ را ابراز نموده است؛ ارزش هر کیلو چای را ۱۴ دلار اعلام کرده در صورتی که چای وارده شده به کشور هر کیلو ۴ تا ۵ دلار ارزش گذاری شده است که در واقع از مابه‌التفاوت ارز دریافتی ۸ الی ۹ دلار در راستای منافع شخصی خود بهره برده است.»

در نهایت این پرونده در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی تهران ویژه رسیدگی به جرایم اخلاگران در نظام اقتصادی کشور با برگزاری ۲۴ جلسه رسیدگی شد و در نهایت برای ۲۲ نفر از متهمان تصمیم‌نهایی اتخاذ شد.

شیره جان سد را کشیدیم

درباره عکسی از سد کرج در آستانه خشکی

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

چند روز پیش در حیات روزنامه هم‌میهن یکی از همکارانم را با حالی آشفته و رویی زرد دیدم. رسم رفاقت و همکاری به جا آوردم و گفتم خدا بد نده؟ نه گذاشت و نه برداشت و گفت: «خانه خراب شدیم. چهار روز است که آب خانمان قطع شده. به اداره آب زنگ می‌زنیم می‌گویند فشار آب پایین آمده و باید منبع و پمپ بگذارید. از آن طرف همسایه‌ها با هم دعوا دارند و شارژ معمول ساختمان را هم پرداخت نمی‌کنند. اهل و عیال رفته‌اند خانه مادرزن و من هم هر شب با یک باکس آب معدنی به خانه می‌روم.» دیروز که خبرگزاری مهر گزارش تصویری از حیات رو به موت سد کرج منتشر کرد حرف‌های رفیقم دوباره توی مخم رفت. گوشی تلفن را برداشتم و در چند محله تهران به فامیل و دوست آشنا زنگ زدم. سیستم آماری ام را طوری انتخاب کردم که فاصله طبقاتی و شمال شهر و جنوب شهر در نتیجه تأثیر نداشته باشد. خلاصه آنکه صدی نود جواب تماس‌هایم این بود که تقریباً از حدود یک سال پیش فشار آب تهران افت چشمگیری داشته و بیشتر آپارتمان‌نشین‌های تهرانی خانه‌هایشان را به منبع آب و پمپ آب مجهز کرده‌اند. حالا که عکس‌های سد کرج که حدوداً آب شرب پنج میلیون تهرانی را تأمین می‌کند می‌بینم لرزه بر اندامم می‌افتد. خاطرم هست تا همین چند سال پیش از هر تهرانی می‌پرسیدید وضعیت آب تهران چطور است؟ خاطره دیدار ش از آخرین سفر به چالوس و دیدار میدانی اش از سد کرج را با آب و تاب تعریف می‌کرد. اصلاً انگار یک قانون نانوشته بود که همین که به سد می‌رسی باید ماشین را به شانه خاکی بیاوری و کله‌بکشی و آب سد را چک کنی و بعد به راه ادامه بدی. این دیدار و این گزارش گاهی اقتدر چالش‌برانگیز می‌شد که بابت چهار خط و سه خطی که رد آب روی دیواره کوه انداخته بود بین طرفین مذاکره کار به دعوا می‌کشید. حالا اما آب تهران دارد تمام می‌شود. یا بهتر است بگویم داریم تماشا می‌کنیم. انگار با همین پمپ‌ها به جان این سد افتادیم و داریم شیره جان‌ش را می‌کشیم. این را از روی عکس‌ها و خط‌هایی که بر صورت کوه افتاده است هم می‌شود فهمید. حواسم هست که احتمالاً مسئولان حواس‌شان به همه چیز هست. اما شما هم حواس‌تان باشد آب که تمام شود دیگر با تعطیلی و دو در چه کمتر و اینها قضیه حل نمی‌شود.



عکس: نادیا پیرماد مهر